

بیشعوری دیگر بس است

راهنمای خویشتن برای درمان بیشعورها و قربانیهایشان

نویسنده: دکتر ویر کرمنت

مترجم: سحر جعفری صافی

انتشارات مهرج

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه : کرمنت، خاویر

Crement, Xavier

عنوان و نام پدیدآور: بیشعوری دیگر پس است/ نویسنده خاویر کرمنت؛ مترجم سحر جعفری صرافی.

مشخصات نشر: تهران: مهرآج، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۱۶ص، ۱۴/۵۰×۲۱/۵۰سم.

شابک: 978-600-5683-78-3

فهرست نویسی: قیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Asshole no more

توضیحات: کتاب حاضر در سالهای مختلف با عناوین و مترجمان مختلف توسط ناشران متفاوت

تشریح شده است.

موضوع: توده‌شناسی

موضوع: شخصیت

موضوع: اختلالات شخصیتی - د

موضوع: رفتار - تغییر - تعدد - دسامه‌ها

شناسه افزوده: جعفری صرافی، سحر، ۱۳۹۵ مترجم

رده بندی کنگره: ۴۷۲۳BF الف ۳۹۵ ک ۹خ/

رده بندی دیویی: ۲/۱۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۳۷۹۲۹

بیشعوری دیگر پس است

نویسنده: خاویر کرمنت

مترجم: سحر جعفری صرافی

ناشر: مهرآج

چاپ اول: ۱۳۹۵/ تعداد: ۱۰۰۰ نسخه/ قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۸۳-۷۸-۳

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۷	مقدمه مترجم.....
۱۳	مقدمه‌ی نویسند.....
	فصل اول : بیشعوری چیست و چرا افراد می‌خواهند
۲۳	بیشعور باشند.....
۲۴	ماجرای فرد.....
۳۳	چند ماجرا دیگر.....
۴۴	تعریف بیشعوری.....
۵۴	ماهیت بیشعوری.....
۷۸	شدت بیشعوری.....
۸۸	فصل دوم: انواع بیشعورها.....
۸۹	بیشعور عادی.....
۹۴	بیشعور تجاری.....
۹۹	بیشعور لیبرال.....
۱۰۵	بیشعورهای عصر جدید.....
۱۱۲	بیشعور دیوان سالار(اداری).....
۱۱۷	بیشعور درمانده.....
۱۲۲	بیشعور شاکی.....

فصل سوم : وقتی جامعه بیشعور می‌شود..... ۱۲۷

تجارت به عنوان یک بیشعور..... ۱۳۰

باتلاقی از بیشعوری..... ۱۳۶

خواندن ، نوشتن و بیشعوری..... ۱۴۲

بیشعوری در رسانه‌ها، یک اپیدمی واقعی..... ۱۴۷

فصل چهارم : زندگی با بیشعورها..... ۱۵۲

کار کردن با بیشعورها..... ۱۵۳

وقتی یک دوست بیشعور است..... ۱۶۰

ازدواج با یک بیشعور..... ۱۶۴

بیشعور مادرزاد..... ۱۶۸

فرزندان والدین بیشعور..... ۱۷۴

فصل پنجم: راه نجات..... ۱۸۱

مراحل درمان..... ۱۸۲

ابزار درمان..... ۱۸۸

سخن پایانی..... ۱۹۸

مقدمه مترجم

تا به حال به چند نفری شنیده‌اید؟ می‌دانید رابطه‌ای با هوش ندارد و تنها یک مسئله روانی است، یعنی بیش‌عوری یا خود را به بیش‌عوری زدن یک بیماری روانی است.

به نظر شما آیا واقعا کسی که فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس یا حتی مدرک دکترا دارد حالا با هر سنی و از هر فرهنگی واقعا باید نتیجه‌گیری کرد که خب این آدم باهوش یا حتی اینکه آدم ترفیع یا عامیانه‌تر عاقل و با فهم و شعور است؟

بیش‌عوری چیست؟ به طور حتم بارها با این واژه روبرو بوده‌ایم و با حتی خودمان آنرا به کرار بکار برده‌ایم. ابتدا بهتر است معنی دقیقی از واژه‌ی شعر داشته باشیم؟! واقعا معنی شعر چیست؟

شعور به معنی دانستن و دریافتن، حس کردن، فهم و ادراک و آگاهیست. حال بیش‌عوری یعنی عدم موارد بالا! انسانی که درک صحیحی از آنچه انجام میدهد و یا آنچه بر روی او انجام می‌دهند ندارد در آن مورد بیش‌عور است! موجودات با موضوعات مختلفی به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها با موضوع شعر است. موجود دارای درک و آگاهی و بینش = با شعور

موجود فاقد درک و آگاهی و بینش = بیشعور

مرحوم شریعتی در یک جمله نوشته است: "چه زجری می کشد آنکس که انسان است و از احساس سرشار است" یا در یک شعر که متأسفانه شاعرش را نمی دانم خواندم: بدیخت آنکه اسیر عقل شد خوشبخت آنکه کره خر آمد و الاغ رفت! چرا انسان واقعی و سرشار از احساس زجر میکشد؟ آیا تا به حال به آن فکر کرده اید؟ شاید به خاطر آنکه درک و بازتاب او از وقایع و اتفاقات بسیار بالاست و همین موجب آن می شود واقعی که از نظر دیگران عادی یا بی حسیده دار هستند، در نظر این انسان زجرآور و غم انگیز باشند. البته، عکس هم هست و ممکن است یک نفر به خاطر درک و شعور بیشتر به یک موضوع از یک موضوع به ظاهر عادی قهقهه بزند!

در زندگی هر چیزی که داریم محصول شعور خودمان است. هر چه سطح شعور بالاتر باشد زندگی ما هم تغییر می کند. پس هرچه درک انسان از مسائل و اتفاقات کمتر باشد چون بازتاب احساسی کمتری روی وجودش میگذارد، پس تأثیر کمتری روی روح و روانش می گذارد و بیشعورتر است. بعضی از انسان ها شعورشان رشد کرده است و به سمت تعالی حرکت نمیکنند، این افراد با سطح شعور پائین، نهی در حد کودکی، در اجتماع حاضر می شوند. حرکات کودکانه در اجتماع، دمه های بزرگ، زننده است. اما به دلیل اینکه آن شخص بیشعور و یا کم شعور بزرگ شده است و سنش بالا رفته چون توان بالابردن سطح شعورش را ندارد مجبور است با عیب سازي و حرکات مکمل رفتار خودش را توجیه کند که اوضاع بدتر می شود.

اما بیشعور مطلق نداریم و هر کسی ممکن است نسبت به یک مساله ای بیشعور یا کم شعور محسوب بشود، مثلاً می گویند فلانی شعور این مساله رو ندارد!

انسان های بیشعور و کم شعور با هم دوستان خوبی می شوند. خوش میگذرانند

و الکی خوش هستند،) از قدیم گفتند کیوتر با کیوتر باز با باز) اما در بین انسانهای عادی، فردی حال بهم‌زن و غیرقابل تحمل و قابل ترحم محسوب می‌شوند. شدیداً اعتقاد دارم که شعور بزرگترین نقش را در انسان بودن و زندگی ما دارد.

کتاب بیشعوری (assholism) درباره‌ی بیشعوری در دوره معاصر است و تأثیر عمیقی که بیشعورها با نفوذ در اجتماع، سیاست، علوم، تجارت، دین و امثال اینها در دنیای معاصر می‌گذارند.

این کتاب از ابتدا به سرگذشت‌های مختلف افراد پرداخته است و بعد تعریفی از بیشعوری ارائه داده است در فصلهای مختلف انواع بیشعوری را نامبرده است همچنین تن شعور در زندگی، روابط، دوستی، ازدواج و ... را بررسی کرده است. در آخر راهکارهایی برای درمان این بیماری ارائه می‌کند. دکتر خاویر کرمونت در این کتاب طنزآمیز با شوخ طبعی و یک عالمه ماجراهای ساختگی (اما در واقع بسیار شبیه به اتفاقاتی که هر روز دور و بر ما می‌افتد) مدعی می‌شود که بیشعوری یک بیماری و اعتیاد است و نه نوعی بداخلاقی یا سوءرفتار. بیشعورها احساس نمی‌کنند، اتفاقاً بیشتر آنها نابغه‌اند؛ اما نابغه‌هایی خودخواه؛ مردم آزار، با اعتماد به نفس بالا و البته وقیح که نتیجه تیزبازی‌هایشان در نهایت به ضرر خودشان و اطرافیان‌شان می‌شود.

به نظر نویسنده، بیشعوری یک بیماری مسری است و دنیا را تهدید می‌کند! باید کاری کرد و الا بیشعورها دنیا را نابود می‌کنند. کتاب بی‌شعوری تلاش برای پاسخ دادن به این دو سوال است، بی‌شعوری یعنی چه و چه کسی بی‌شعور است؟ در نهایت اینکه در مواجهه با بی‌شعور چه باید کرد و چه کسی از پس یک بی‌شعور برمی‌آید.

بیشتر آدم‌های عصر پسامدرن و دهکده جهانی دچار این بیماری هستند و

اولین قدم در درمان بی‌شعوری قبول کردن این موضوع است که گرفتار این بیماری شده‌ایم و پس از آن باید مراحل درمان شروع شود. آدم بی‌شعور قانون‌گریز و هوچی‌گر است، حق به جانب است، اهل مطالعه نیست، زیر کار دروست. آموزش پرورش نقش عمده‌ای در بی‌شعوری دارد موضوع این است که برای اینکه دانش‌آموزان ضربه روحی نبینند کیفیت تدریس در آموزش و پرورش کاهش پیدا کرده است، چندان برخوردی با دانش‌آموز بی‌تربیت نیست که مبادا ارزش‌های انسانی خدشه پیدا کند، اما این موجب بارآمدن دانش‌آموزانی با کیفیت می‌شود که نمی‌توانند بیاندیشند و همواره طلب‌کار هستند و می‌ستیزد. ریبیتی آموزش و پرورش‌راهی برای بهبود رفتار دانش‌آموزان خاطلی ندارد. آن‌ها همان صورت بزرگ می‌شوند و وارد جامعه می‌شوند و برای جامعه مشکل درست می‌کنند. اما چه کسی می‌تواند با آدم بی‌شعور مقابله کند؟ قطعاً آدمی بی‌شعور!

آدم بی‌شعور دنبال پول است. پول برای او همه چیز است. دنبال قدرت و تسلط بر دیگران است. و برای آن رسیدن نبرد است برای بقا و استراتژی مقابله را برای زندگی خود برمی‌گزیند.

شاید بشود گفت که جمعیت بیشعورها هر لحظه در حال افزایش است و می‌رود که چنان گسترشی به خود بگیرد که تمام این جهان را احاطه کرده و بپوشاند. واقعیت تلخ آن است که بوی گند بیشعوری از داس دنیای ما به مشام می‌رسد و اگر برای زدودن آن کاری نکنیم به فاجعه خواهد انجامید. فاجعه وقتی است که دیگر این بو را از فرط تکرار و عادت انسانی نکنیم. بویی حس نمی‌کنید؟

شاید تمام فصلهای این کتاب شما را جذب نکند یا اینکه بعضی فصول با فرهنگ ما جور در نیایند اما خواندن این کتاب را به همه توصیه می‌کنیم. به نظر من بیشعوری بیماری مزمنی است که گریبان همه ما را گرفته است.

حال باید بنشینم و کلاهمان را قاضی کنیم و از خودمان بپرسیم: چقدر به این صفات نزدیکیم؟ چقدر واقعیت را انکار می‌کنیم و چه اندازه از اشتباهاتمان گریزانیم؟ چقدر از راه را اشتباه رفته‌ایم؟ چند نفر در اطرافمان می‌شناسیم که این مشکل را دارند و از سروکله زدن با آنها خسته شدیم؟ چقدر از این درد ضربه خوردیم یا حتی چقدر با آن به دیگران ضربه زده‌ایم؟ چطور می‌توانیم به خودمان یا دیگری کمک کنیم؟ شاید بشود برای آینده فکری کرد.

در اینجا می‌خواهم از فرصت استفاده کنم و از تمام دوستان، دانشایان، قاضیان و خانواده‌ها بخواهم که من را به خاطر بعضاً بیشعوری‌هایی که در رفتارم در گذشته بوده است مرا عفو کرده و از این پس با دیدن هر نوع بیشعوری‌ای از جانب من عفو کنید و مرا رها کنید. راست بگویند: خیلی بیشعوری. با تشکر از شما که این موضوع را به من گوشزد می‌کنید بیشعوری یک اعتیاد است نجات یک معتاد نجات ناممکن است.

سحر صراف‌پاییز ۱۳۹۴